

مصاحبه ایسکرا با منصور حکمت
درباره تنش میان جمهوری اسلامی و طالبان
صفحه ۲

اشباح و واقعیت ها

نادر بکتاش
صفحه ۲

تجلیل خاتمی از لاجوردی و تجلیل فرخ نگهدار از خاتمی
صفحه ۲
صفحه ۳
صفحه ۴

فانح شیخ الاسلامی

خاتمی

نماینده رژیم صدهزار اعدام است

خاتمی رئیس جمهور رژیم اسلامی در اجلاس سازمان ملل فرصت یافت خود را نماینده مردم ایران بخواند! پیش از او خامنه ای و پیشتر هم شاه فرصت یافته بودند که برای محکم تر کردن یوغ اسارت مردم در چنین اجلاس هایی حضور یابند و فرمایشات ملوکانه و آخوندی ایراد کنند. مردم ایران هم آن دو و هم این یکی را نمایندگان سرکوب و کشتار و سلب آزادی خود، نمایندگان نظام استثمار و بردگی حاکم بر ایران می شناسند. مردم به اینها و بساط ریاکاری جهانی ای که تریبون به دروغ پردازی های چندش آور اینها میدهد تف میفرستند. خاتمی نماینده رژیم صدهزار اعدام و شریک دو دهه جنایت آن است. روسای دولتی که در آن صحنه ریاکاری جهانی برای کلام کریمه این نماینده ارتجاع و ترور اسلامی در وصف آزادی!! و تقبیح تروریسم!! سر تکان دادند، خودشان هم پرونده پاکیزه تری ندارند. همین یک ماه پیش، همین خاتمی، همین کلام کریمه اسلامی را در ستایش از لاجوردی خرج کرد، در ستایش جلا دهها هزار انسان کمونیست و آزادیخواه، کسی که سراپای کارنامه ننگینش سلب آزادی و حیات انسانها و حاکم کردن فضای ترور و ارعاب بر جامعه بود. بگذار دولتهای غربی و رسانه های رسوایی چون بی بی سی، از سر تجانس ارتجاعی شان، خاتمی را در بوق بکنند؛ مردم ایران میدانند که آزادی مورد نظر خاتمی همان است که یک ماه پیش در ستایش از لاجوردی بیان کرد.

همزمان با حضور خاتمی در سازمان ملل، حزب کمونیست کارگری ایران تظاهراتی گسترده ای علیه جمهوری اسلامی در برابر مقر سازمان ملل در نیویورک و در چندین شهر دیگر آمریکا، کانادا، اروپا و استرالیا سازمان داد و با تبلیغات سیاسی پرچم در میان ایرانیان مقیم خارج و جلب حمایت وسیع سازمانهای کارگری و آزادیخواه در کشورهای مختلف، خاتمی و رژیم اسلامی و حامیان جهانی اش را بیش از پیش رسوا کرد. این آکسیون و نظایر آن، در امتداد همان مبارزاتی صورت می گیرند که هم اکنون بطور مستمر توسط کارگران و مردم معترض در داخل ایران برای متزلزل کردن و از جا کندن رژیم اسلامی جریان دارد. مردم ایران حکم به سرنگونی جمهوری اسلامی داده اند و برای تحقق این حکم خود به شیوه های مختلف مبارزه می کنند. رابطه فعال عرصه های داخل و خارج مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، هم بر مردم و هم بر جانیان حاکم روشن است. تلاش رژیم، بویژه پس از سر کار آمدن خاتمی، برای گسترش حضور خود در خارج و بسیج عناصر و جریانات مرتجع طرفدار خود در این سوی رابطه، امتداد تلاش او برای سرکوب مردم آزادیخواه در آن سو، در داخل کشور است. حزب کمونیست کارگری مکررا تاکید کرده که با تمام نیرو و با جلب حمایت سازمانهای کارگری و مردم آزادیخواه جهان، از حضور جمهوری اسلامی در خارج کشور و استفاده اش از این عرصه برای تحکیم موقعیت متزلزل خود در داخل، جلوگیری می کند. پای این رژیم جنایتکار را از خارج کشور باید برید. جمهوری اسلامی، با پرونده صد هزار اعدام و آپارتاید جنسی و سنگسار و غیره و غیره، بسیار بیشتر از رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی سزاوار محکومیت و انزوی جهانی است. تحقق این هدف یعنی منزوی کردن جمهوری اسلامی در خارج، که لازمه اش افشای همزمان گروههای طرفدار رژیم است، یک ضرورت مبارزاتی و یک شرط بزرگ کشیدن آن در داخل است. حزب کمونیست کارگری مبارزه خود در خارج کشور را با تمام توان و با میلیتانیسی بالا متوجه به انزوا کشاندن رژیم اسلامی و بریدن پای آن از عرصه جهانی کرده است.

تظاهرات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران علیه جمهوری اسلامی در روز ۲۱ سپتامبر

بنا به اطلاعیه مطبوعاتی (۲۲ سپتامبر ۹۸) تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، روز ۲۱ سپتامبر به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران تظاهرات های گسترده ای علیه جمهوری اسلامی در ۷ کشور و ۱۲ شهر اروپا، کانادا، استرالیا و آمریکا برگزار شد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و کمپین سراسری دفاع از حقوق زنان در ایران هم با فراخوان های خود این آکسیون را فعالانه مورد پشتیبانی قرار دادند و فعالین حزب کمونیست کارگری عراق در کشورهای مختلف نیز فعالانه در آن شرکت کردند. در این تظاهرات همچنین دهها تشکل کارگری، سازمان زنان و احزاب و جریان سیاسی رژیم اسلامی ایران را محکوم کردند. متن اطلاعیه چنین است:

روز ۲۱ سپتامبر به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران در ۷ کشور و ۱۲ شهر اروپا، کانادا، استرالیا و آمریکا، تظاهرات های گسترده ای علیه جمهوری اسلامی، رژیم صد هزار اعدام، برگزار شد. در این اجتماعات در همبستگی با مردم ایران تشکلهای کارگری و احزاب سوسیالیست، سازمانهای مدافع حقوق زنان در اروپا و آمریکا، حزب کمونیست کارگری عراق، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، سازمان ها و تشکلهای سیاسی - فرهنگی اپوزیسیون ایران، رژیم اسلامی را محکوم کردند و با ارسال پیام و ایراد سخنرانی این آکسیونها را مورد حمایت قرار دادند.

کادراها و فعالین حزب در این آکسیونها و همینطور در مطبوعات و رادیو تلویزیونهای مختلف به مردم حقیقت جو و افکار عمومی پیشرو اعلام کردند که مردم ایران، برخلاف تبلیغات پوچ و عوامفریبانه دولتها و رسانه های جیره خوار شان، رژیم اسلامی را نمیخواهند و اولین شرط آزادی و امنیت خود را رهائی از این وصله ناجور تاریخ جامعه ایران میدانند.



عکس از روزنامه NEWYORK NEWS DAY
۲۲ سپتامبر، صحنه ای از تظاهرات حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل سازمان ملل

شرکت کنندگان در این آکسیونها بر محاکمه سران رژیم در یک دادگاه بین المللی و سرنگونی آن بخاطر دو دهه سرکوب و خفقان تاکید کردند. **آمریکا** - در مقابل دفتر سازمان ملل در نیویورک میتینگ گسترده ای برگزار شد. در این آکسیون نمایش اعدام، چهره جنایتکار رژیم اسلامی ایران برای هزاران نفر بیننده اجرا شد. ده سازمان و حزب سیاسی و نهادهای فرهنگی و سیاسی پیام خواندند. رادیو صدای آمریکا، روزنامه نیویورک نیوزدی، آسوشیتدپرس، دلبیو بی ای، نیویورک تایمز و نیز چندین رادیو و شبکه تلویزیونی ایرانی با مریم نمازی و علی جوادی مصاحبه کردند. خبرگزاری آسوشیتدپرس بلافاصله خبر این آکسیون را مخابره کرد. روز ۲۰ سپتامبر نیز در لوس آنجلس تظاهراتی توسط واحد حزب در این شهر برگزار شد. در این تجمع پیامهای حمایت سازمانهای چپ آمریکا در دفاع از مبارزات مردم ایران و علیه رژیم اسلامی قرائت گردید.

کانادا - تظاهرات بزرگی در ونکوور برگزار شد. علاوه بر سخنرانی از طرف حزب، فدراسیون پناهندگان و کمپین زنان، ارنی هیلند به نمایندگی از جانب شورای کارگران ونکوور نیز سخنرانی کرد و بر همبستگی با کارگران ایران تاکید کرد. شورای کارگران شهر ونکوور با دهها هزار عضو، شورای کارگران شهر ویکتوریا، مرکز استان بریتیش کلمبیا، فدراسیون اتحادیه کارگران استان و نیز کمیته بین المللی دفاع از حقوق زنان کانادا نیز تظاهرات ۲۱ سپتامبر را مورد پشتیبانی قرار داده بودند.

سوئد - تظاهرات گسترده ای در میدان مرکزی استکهلم برگزار شد. نمایش سمبولیک سنگسار در این مراسم اجرا شد. نمایندگان از حزب کمونیست کارگری و احزاب چپ سوئدی و ایرانی سخنرانی کردند و جمهوری اسلامی را بخاطر دو دهه سرکوب و کشتار و تحمیل آپارتاید جنسی محکوم کردند.

آلمان - در شهرهای کلن، برلین، هامبورگ و برمن تظاهرات شد و سخنرانان رژیم اسلامی و دولتها و رسانه های مدافع رژیم را محکوم کردند. صبح همین روز دفتر هواپیمائی رژیم اسلامی در هامبورگ نیز اشغال شد. تظاهر کنندگان با نوشتن شعارهایی علیه رژیم اسلامی ایران روی دیوارهای این دفتر، پیام و آرزوی قلبی مردم ایران را به نمایندگانشان در خارج اعلام کردند. بعد از این حرکت اعتراضی پلیس آلمان از هوا و زمین محل آکسیون را مورد محاصره قرار داد.

بریتانیا - تظاهرات کنندگان در مقابل ساختمان بی بی سی اجتماع کردند و رژیم جنایتکار اسلامی را بخاطر دو دهه جنایت محکوم کردند. در سخنرانی کادری حزب در این تظاهرات، بی بی سی نیز بخاطر حمایت از رژیم اسلامی شدت محکوم گردید. *در **سیدنی** (استرالیا)، **اسلو** (نروژ)، **کپنهاگ** (دانمارک)، **هلسینکی** (فنلاند) و **آمستردام** (هلند) تظاهرات و حرکتی اعتراضی توسط واحدهای حزب برگزار شد.

تظاهرات سراسری حزب در روز ۲۱ سپتامبر با استقبال وسیعی از جانب ایرانیان مقیم خارج و احزاب و سازمانهای کارگری و چپ و تشکلهای زنان روبرو شد. اطلاعیه ها و فراخوانهای حزب در ارتباط با این تظاهرات با همکاری اتحادیه های کارگری و سازمانهای زنان و جریانات آزادیخواه و سوسیالیست در کشورهای مختلف در سطح وسیعی در شبکه های اینترنت در اختیار مردم مشتاق آزادی و حقیقت قرار گرفت. بدون شک این حمایتی صمیمانه در تقابل با تبلیغات ضد مردمی دولتهای غربی و جریانات طرفدار رژیم در اپوزیسیون ایران مایه دلگرمی و تقویت مبارزات برحق مردم محروم ایران خواهد شد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
زنده باد حکومت کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه: لیست سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و نهادهائی که از کمپین حزب کمونیست کارگری ایران در ۲۱ سپتامبر حمایت کردند:

مصاحبه ایسکرا با منصور حکمت درباره تنش میان جمهوری اسلامی و طالبان

ایسکرا: تبلیغات جنگی و ایجاد فضای جنگی در ایران در برابر طالبان مرتباً رو به تضاعد است. پیشروی نظامی طالبان به کمک پاکستان در مناطق شمالی که با تصرف مزار شریف در اوائل اوت آغاز شد همچنان ادامه دارد. همراه با این پیشروها از جنایات و سلاخیهای وسیع و کشتار جمعی گروههای قومی و مذهبی توسط طالبان گزارش میرسد. یک معنی این پیشروها اینست که جمهوری اسلامی در افغانستان به پاکستان و طالبان باخته است و این میتواند علاوه بر حمایت رژیم اسلامی ایران از جریانات اسلامی مخالف طالبان، به واکنش و دخالت مستقیم نظامی جمهوری اسلامی هم منجر شود. کشته شدن دیپلماتهای ایرانی توسط طالبان دستاویزی برای بسیج داخلی هم به رژیم اسلامی داده است. بنظر شما این وضع رو به کجا دارد و اگر جنگی تمام عیار بین این دو طرف درگیر شود چه عواقبی در منطقه و در اوضاع داخلی ایران بجا خواهد گذاشت؟

منصور حکمت: "جنگ تمام عیار" نمیتواند توصیف صحیحی برای جنگ احتمالی جمهوری اسلامی و طالبان باشد. نه فقط رژیم اسلامی قصد یک دخالت نظامی در این ابعاد را ندارد، بلکه ناموزونی قوای دو طرف اجازه شکل گیری یک جنگ تمام عیار را نمیدهد. صحبتی اگر هست بر سر ضربات نظامی موضعی توسط رژیم اسلامی، شاید درجه معینی از حضور در مناطق مرزی و بعد اقدامات انتقامی و تخریبی متقابل طالبان است. "جنگ تمام عیاری" که بالقوه میتواند در پی خصومتهای کنونی شکل بگیرد، جنگ ایران و پاکستان است. چنین احتمالی قطعاً منطقه را زیر و رو میکند. اما منهای این، یعنی در صورتی که ماجرا به تقابل رژیم و طالبان محدود بماند، بعد نظامی آن بنظر من چشمگیر نخواهد بود.

ایسکرا: تا همین حالا یک جناح از رژیم از فضای جنگی برای محدود کردن مطبوعات طرفدار جناح دیگر (بستن روزنامه توس) و نیز ازسرگیری جو ارباب در جامعه علیه مردم معترض بهره برداری خود را شروع کرده است. با توجه به کشمکش های جناحی و رودروئی کل نظام جمهوری اسلامی با اعتراضات وسیع کارگران و توده مردم، تضاعد فضای جنگی از طرف رژیم چقدر میتواند انگیزه داخلی داشته باشد؟
منصور حکمت: بنظر من انگیزه داخلی رژیم اسلامی بشدت فرعی است. شک نیست که یک رژیم ارتجاعی از این ماجرا هم برای تنگ کردن حلقه اختناق استفاده میکند. حمله به روزنامه توس برای جناح خامنه ای احتیاجی به لشکرکشی به افغانستان ندارد. حتماً تحت لوای اوضاع فوق العاده، این جماعت خواهند کوشید بر ابعاد اختناق بیافزایند. اما، اقدام رژیم اقدامی است در پاسخ به روندهای جاری در افغانستان و قدرت گیری پاکستان. نه فقط رژیم اسلامی، بلکه هیچکدام از کشورهای مجاور افغانستان مایل نیستند که این کشور به همین سهولت به یک منطقه نفوذ مستقیم پاکستان تبدیل شود. اینها یک کاسه شدن قدرت طالبان را نقض توافقات ضمنی کشورهای همجوار مبنی بر برقراری یک حکومت ائتلافی از نیروها و فراکسیونهای اصلی می بینند. مادام که کشمکش این جناحها در افغانستان فیصله نیافته بود، این حکومت ائتلافی یک احتمال واقعی بود و سهم هر طرف از قدرت میتوانست در جریان جنگ داخلی در افغانستان تعدیل و کم و زیاد شود. اما پیروزی مطلق طالبان این طرحها را کاملاً به هم میزند. رژیم اسلامی دارد سیاستش را در قبال افغانستان به این شیوه همچنان ادامه میدهد. با این نمایش قدرت سعی میکند پاکستان و طالبان را به پذیرش مجدد یک تعادل کمتر یکجانبه ناگزیر کند و مانع اضمحلال و محو نیروهای طرفدار خود بشود. بنظر میرسد موضع ایران، یعنی بازگرداندن اوضاع به موازنه سیاسی موجود قبل از سقوط مزار شریف و بامیان، و کمک به سهم گرفتن سایر دار و دسته ها در حکومت آتی افغانستان، نه فقط مورد حمایت سایر همسایگان افغانستان، بلکه مورد پذیرش بخش مهمی از محافل سیاسی بین المللی است.

در مورد بالاگرفتن فضای جنگی در داخل ایران، همانطور که گفتم مگر در صورت رویارویی مستقیم ایران و پاکستان، جای تردید جدی هست. بنظر من دخالت نظامی جمهوری اسلامی در افغانستان، محدود، تاکتیکی و موضعی خواهد بود. قصد این عملیات باز پس گرفتن قدرت معامله و چک و چانه زنی با پاکستان در مورد سرنوشت آینده افغانستان است. فکر نمیکنم حتی یک نفر در رژیم حتی یک لحظه تصور یک حضور نظامی نظیر حضور شوروی در افغانستان را بخود راه داده باشد. یک جنگ وسیع که قرار باشد در تهران بر قیمت قند و شکر تاثیر بگذارد در راه نیست. ثانیاً، بنظر من حتی اگر رژیم بخواهد این فضای جنگی را برای خفه کردن اعتراضات مردم بوجود بیاورد، صرفاً به یک موج گسترده تر و علنی تر مبارزه علیه خود دامن میزند. جنگ با طالبان، بر خلاف جنگ با عراق، نه مایه ثبات داخلی رژیم، بلکه باعث بی ثباتی آن میشود. توازن قوای حاکم در جامعه اجازه چنین مانورهایی را به رژیم نمیدهد. بنظر من ابتدا نمیتوان شرایط امروز جامعه ایران را با شرایط مقطع شروع جنگ با عراق یکسان یا حتی شبیه گرفت.

ایسکرا: طی دو هفته گذشته اخبار زیادی درباره تعرض به افغانیهای ساکن ایران پخش شد که مطبوعات رژیمی هم به آن اعتراف کردند و مردم را به "خوبشنداری و مهمان نوازی!" دعوت کردند. با توجه به اینکه جمعیتی حدود دو میلیون مهاجر افغانستانی در همه جای ایران پراکنده اند، تبلیغات رژیم و ایادی آن میتواند عواقب بسیار ناگواری در ایجاد یک شکاف و نفاق گسترده قومی و مذهبی در ایران ببار آورد. حزب کمونیست کارگری که طی همه این سالها دفاع از حقوق افغانیان ساکن در ایران یک اصل همیشگی سیاست و تبلیغات آن بوده در برخورد به این شرایط چه رهنمود ها و اقدامات جدیدی را ضروری میداند؟

منصور حکمت: قبل از هرچیز باید بگویم که مهاجرین افغانی ساکن ایران بنظر من، و از نظر برنامه حزب کمونیست کارگری، شهروندان متساوی الحقوق کشور هستند. در این کشور متاسفانه ارتجاع حکومت میکند و ارتجاع میداندار است. در این کشور چاقوکشان و اوباش سر کارند و بلندگو ها را در دست دارند. باید جلوی این ارتجاع ایستاد. دعوا میان "مردم تحریک شده" ایران با "افغانی ها" نیست. دعوا میان ارتجاع اسلامی و ملی در ایران با بخش دیگری از مردم محروم این کشور است که گناهشان اینست که از افغانستان آمده اند. همان ارتجاعی که به زن حمله میکند، به کمونیسم حمله میکند، به مدرنیسم و سکولاریسم حمله میکند، اکنون دارد به افغانستانی ها هم حمله میکند. واضح است که باید آگاهگری کرد، ناآگاهان و تحریک شدگان را برحذر داشت، اما پاسخ واقعی، سازماندهی مقاومت مادی در برابر این حملات و تعدیات است. واقعیت اینست که توان بسیج توده ای ما بعنوان یک حزب غیرقانونی در صحنه داخلی امروز کشور بسیار محدود است. اما بهرحال با هر امکانی باید جلوی این فجایع را گرفت. فراخوان ما قبل از هرکس به کارگران ایران است که از این بخش محروم تر و بیحقوق تر طبقه خویش قاطعانه دفاع کنند. ما به سهم خود از هیچ تلاشی برای دفاع از مهاجرین افغانی در مقابل این تعدیات فوق ارتجاعی فروگذار نخواهیم کرد.

ایسکرا: در صورت وقوع جنگ بین طالبان و جمهوری اسلامی فکر میکنید تحولات اوضاع در منطقه و کشورهای همجوار ایران و همچنین در سیاست آمریکا و غرب در این باره چگونه خواهد بود؟

منصور حکمت: همانطور که گفتم بنظر من این جنگ، اگر اصولاً آغاز شود، محدود و موضعی باقی میماند. تاثیر آن بالا گرفتن فشار بین المللی بر پاکستان و طالبان برای شکل دادن به نوعی حکومت ائتلافی یا تقسیم قدرت در افغانستان خواهد بود. بنظر من غرب نیز در تحلیل نهایی از همین پشتیبانی خواهد کرد. توازن قوای کنونی، یعنی قدرت بلامنازع طالبان و پاکستان، با توجه به تصویر وسیع تر توازن قوا در کل منطقه، قابل ادامه بنظر نمیرسد.

ایسکرا: سیاست و تبلیغات حزب کمونیست کارگری ایران در قبال جنگ احتمالی میان جمهوری اسلامی و طالبان چگونه است؟

منصور حکمت: بنظر من، و البته بعنوان یک نظر شخصی، یک سیاست صحیح باید بر چند حکم پایه ای استوار باشد.

۱_ سعادت مردم ایران و افغانستان در گرو نابودی و سرنگونی هر دو رژیم است. جنبشی که در ایران بالا گرفته است قرار است جمهوری اسلامی را برچیند. در جنگ جمهوری اسلامی و طالبان، ما خواهان اضمحلال و محو هر دو هستیم. حزب کمونیست کارگری ایران دشمن رژیم اسلامی و دشمن طالبان است.

۲_ بنظر من جنبشی که جمهوری اسلامی را در ایران برمی چیند باید فکری هم بحال طالبان و ارتجاع اسلامی در افغانستان بکند. دوران ما دوران مسائل منطقه ای و بین المللی و راه حل های منطقه ای و بین المللی است. یک حکومت کارگری در تهران نمیتواند با حکومت طالبان در افغانستان کنار بیاید و حسن همجواری داشته باشد. بنظر من کل بشریت نباید حکومت طالبان در افغانستان را تحمل کند. یک روز زندگی یک زن در افغانستان تحت تسلط طالبان دلیل کافی برای تشکیل بریگادهای سرخ بین المللی برای بزیر کشیدن حکومت طالبان است. در نتیجه حزب کمونیست کارگری اعتباری برای حق حاکمیت طالبان بعنوان دولت افغانستان قائل نیست.

۳_ به این ترتیب بنظر من جنگ رژیم اسلامی و طالبان، نه جنگ دو دولت، دو کشور، و دو مردم، بلکه جنگ دو دار و دسته مرتجع اسلامی است که ما با هر دو در حال جدالیم. روش ما در این جدل نمیتواند و نباید تلاش برای بازگرداندن مناسبات دو طرف به وضعیت موجود پیشین، موعظه رفع تخاصم و آشتی باشد. ما، بعنوان صف سوسیالیسم و آزادیخواهی، خود یک طرف یک نبرد سیاسی و تعیین کننده در منطقه ایم و لاجرم جدال درونی اردوی ارتجاعی مقابل خود را با علاقه دنبال میکنیم. نظر شخص من، بعنوان یک کمونیست دشمن مذهب و اسلام و یک مبارز راه رهایی مردم دنیای معاصر از چنگال نکبت بار اسلام سیاسی، اینست که تفرقه و دشمنی در صف حرکت اسلامی را باید به فال نیک گرفت و قدر دانست. بقیه را نمیدانم، اما من جزو کسانی نخواهم بود که اوباش اسلامی را از افتادن به جان هم برحذر دارم و به آشتی و رعایت پروتکل دعوت کنم. کار ما سازماندهی برای سرنگونی هر دو است.

۴_ در بعد داخلی، جلوگیری از مختنق شدن بیشتر فضای جامعه به بهانه اوضاع فوق العاده و دفاع از زندگی و حقوق مهاجرین افغانستانی باید یک رکن سیاست عملی ما باشد. اما کار ما از این جنبه تدافعی بسیار فراتر میرود. جدال رژیم اسلامی با طالبان و تبلیغات خود رژیم علیه طالبان بعنوان یک جریان مرتجع و متحجر، زبان مردم ایران را بر سر اسلامیت خود رژیم ایران دراز میکند. وقتی حمله به "روایت های ارتجاعی از اسلام" در افغانستان مجاز شد و از زبان خود سران رژیم اسلامی نقل شد، دیگر کسی نمیتواند جلودار مردم ایران در تعرض به ارتجاع اسلامی در خود ایران بشود. وقتی خامنه ای اعتراض میکند که "طالبان خون جوانان ۸ ساله را مباح کرده است"، مردم گریبان خودش را بر سر سرنوشت دختران ۹ ساله در نظام خود او خواهند گرفت. جنگ رژیم با طالبان حمله به اسلام را در ایران عادی و مجاز میکند. پشت شعار مرگ بر طالبان، شعار مرگ بر حکومت اسلامی جان میگیرد. بنابراین ما باید یک سیاست تعرضی برای گسترش جنبش سرنگونی طلبی را در پیش بگیریم و نه صرفاً یک سیاست تدافعی برای جلوگیری از تحکیم بیشتر اختناق.

۵_ شک نیست که مردم بطور عادی اومانیتست، صلح دوست و آرامش طلب هستند. اما میان نگرانی همیشگی مردم از جنگ و نابسامانی اقتصادی و آشوب اجتماعی با دفاع احزاب سیاسی از وضع موجود تفاوتی عظیم هست. اولی نشان مدنیت و خرد در جامعه انسانی است و دومی سند محافظه کاری و دشمنی با تغییر. حزب کمونیست کارگری نه فقط نمیتواند در موضع تلاش برای رفع تشنج میان رژیم اسلامی و طالبان و موعظه حل اختلاف به روشهای سیاسی و قانونی باشد، بلکه باید کارگران و توده مردم در ایران و افغانستان را برای استفاده از شکافها و تضادهای موجود برای سرنگونی رژیم اسلامی و حکومت طالبان و برقراری یک جامعه واقعا انسانی و آسوده در هر دو کشور به میدان مبارزه فزابخواند. ■

لولای اتصال خاتمی و لاجوردی روشن است. لولای اتصال شما و خاتمی هم در این یکسال و نیم این بوده که با دفاع از خاتمی، شما از یک ورژن جمهوری اسلامی دفاع میکنید و چاره ای ندارید جز اینکه گنداب تجلیل خاتمی از لاجوردی و خبلی چیزهای دیگر این رژیم را به تن خود بمالید. این انتخاب سیاسی شماست. اگر امروز مانده>ب< آید که، در میان دریای تنفر مردم و ازجمله بستگان و یاران اعضاء و هواداران سازمان خودتان که توسط لاجوردی اعدام شده اند، چگونه به دفاع از خاتمی که دست در دست لاجوردی ها دارد ادامه دهید، این مشکل دیرینه تان در دفاع از جمهوری اسلامی بوده و هست و هیچگاه هم قصد اندرز گرفتن از آن را نداشته آید.

برعکس. شما، تجلیل خاتمی از لاجوردی برای مردم غریب نبود. "سروته یک کرباسند". رژیم جنایتکار اسلامی همیشه به جلادهایش متکی بوده و خواهد بود. ستایش یک سردمدار این رژیم جانی از یک جلاذ حرفه ای خدمتگزار رژیم "معنا"یش روشن است و هیچ تفسیری برنمیدارد. ستایش شما از خاتمی هم. ■

سازمان با درج بدون تفسیر تجلیل خاتمی کوشید از کنار قضیه رد شود. ولی شوالیه فرخ نگهدار مانند مقطع دو خرداد به داد سازمان رسید و با تحریر سریالی به تجلیل مجدد از خاتمی و تفسیر "معنای تجلیل خاتمی از لاجوردی" برخاست!

به لب لایحه ایشان توجه کنید: "من مایلم امیدوار باشم که آقای خاتمی قادر خواهد شد درک کند که چگونه ستایش وی از لاجوردی یک اشتباه فاحش بوده و باید تصحیح شود ... همچنان مایل نیستم پیش بینی شود که آقای خاتمی بر این اشتباه خواهد ماند و یا باور کنم که در مورد تشخیص تفاوت ماهیت اندیشه و عمل لاجوردی ها و خاتمی ها دچار اشتباه بوده ام ... من هنوز نتوانسته ام خود را قانع کنم که این یک موضعگیری ولنگارانه و یا ناخواسته بوده است." فرخ نگهدار واضح تر از این نمیتوانست سیاست فرومایه و زار و زبون خود و سازمانش را تصویر کند.

خیر آقای نگهدار! نه خاتمی در ستایش از لاجوردی اشتباه کرده نه شما در ستایش از او. موضعگیری هیچکدامتان هم ولنگارانه و ناخواسته نبوده است. آن سیاست خاتمی است و این سیاست شما.

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب درباره تظاهرات ۲۱ سپتامبر علیه جمهوری اسلامی در همین شماره ایسکرا درج شده است. در اینجا چند اطلاعیه و نامه پشتیبانی از فراخوان حزب به آکسیون سراسری اعتراض علیه جمهوری اسلامی درج میشود (برخی از اطلاعیه های حمایت از این آکسیون در ایسکرای ۱۲ درج شده اند):

نامه شورای کارگران ویکتوریا به حزب در حمایت از آکسیون ۲۱ سپتامبر

به: آزاد نسیم، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران برادر عزیز، نسیم

شورای کارگران ویکتوریا سازمانی است متشکل از اتحادیه های کارگری که بیش از ۱۹۰۰۰ کارگر را در ویکتوریای بزرگ در بریتیش کلمبیا نمایندگی میکند. ما تحت نظارت کنگره کار کانادا و در ارتباط با فدراسیون کار بریتش کلمبیا فعالیت میکنیم.

در جلسه عمومی اخیر شورای کارگران ویکتوریا، پیشنهاد حمایت از تظاهرات ۲۱ سپتامبر، روز جهانی اعتراض، به اتفاق آرا به تصویب رسید. شورای کارگران ویکتوریا، همراه با سازمان شما، جمهوری اسلامی ایران را بخاطر سیاستهای غیرانسانی، فقر و بدبختی، و کشتار و بیحقوقی مردم محکوم میکند. ما در سراسر جهان از حقوق بشر، سکولاریسم، سوسیالیسم، آزادی و برابری حمایت میکنیم.

فعالین اتحادیه ای ویکتوریا به فکر تلاشهای شما هستند. ما به بالا بردن آگاهی مردم از مبارزات کارگران هر روز ادامه می دهیم. برای شما در "روز اعتراض جهانی اعتراض" آرزوی موفقیت میکنیم. با همبستگی

بیل فاولر Secretary Treasurer

شورای کارگران ویکتوریا (بریتیش کلمبیا، کانادا)

نامه اعتراضی سازمانهای اتریشی مدافع حقوق زنان علیه جمهوری اسلامی

در پی ملاقاتی که مینا احدی سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان با تعدادی از سازمانهای مدافع حقوق زن و احزاب سیاسی در اتریش داشت حزب کمونیست اتریش، حزب سبز، گروه همبستگی زنان، گروه حقوق زنان حقوق بشر و سازمان واید در اتریش طی نامه شدیدالاحنی به خاتمی، به کارنامه سیاه دولت خاتمی اعتراض کردند:

ما اخیرا اطلاع یافتیم که شما روز ۲۱ سپتامبر در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت خواهید کرد ما مصرا خواهان آن هستیم که بالاخره به قوانین ضد زن اسلامی، به حجاب اجباری، به ترور، به سنگسار و به آپارتاید جنسی در ایران خاتمه داده شود برای جلب افکار عمومی به این خواستها، روز ۲۱ سپتامبر آکسیونهایی در سطح دنیا انجام خواهد شد.

شما از طرف دول غربی و رسانه های عمومی غرب، بعنوان سیاستمدار طرفدار دموکراسی معرفی میشوید، اما کارنامه دولت شما کاملا سیاه است، صدها مورد ترور، اعدام، سنگسار در دوره حکومت شما انجام گرفته است ظ طبق اخبار موثق، از زمان روی کار آمدن شما، ۲۱ مورد سنگسار، ۳۶ مورد اعدام، ۲۰ مورد ترور، ۵ مورد ربودن آدمها، و در جریان اعتصابات کارگری بیش از دویست مورد دستگیری، و صدها مورد دستگیری زنان در خیابانها، بجرم عدم رعایت کامل حجاب اجباری گزارش شده است.

در واقعیات تلخ زندگی مردم، تحت حکومت جمهوری اسلامی، از هنگام روی کار آمدن شما هیچ چیز تغییر نکرده است. ما این سیاستهای ترویرستی و ضد انسانی را محکوم کرده و خواهان پایان بخشیدن به این سیاستهای وحشیانه، حجاب اجباری و آپارتاید جنسی در ایران هستیم.

امضاها:

حزب کمونیست اتریش K. P. O. هایده ماری آمبروش معاون دبیر حزب و سخنگوی بخش زنان در اتریش *یوتا ساندر نماینده مجلس ایالتی وین از حزب سبز اتریش *اولریکه لوناچاک سخنگوی بخش زنان حزب سبز اتریش *گروه همبستگی زنان اتریش *گروه حقوق زنان حقوق بشر اتریش *هانا گولدا مسئول سازمان واید واحد اتریش

خاتمی جزئی از نظام ضد بشری جمهوری اسلامی است

رفقای عزیز حزب کمونیست کارگری ایران با نهایت خوشحالی خبر آکسیونهای ۲۱ سپتامبر شما را در سه شهر آلمان و در آمریکا دریافت کردیم.

همانطور که مطلعید طیف وسیعی از اپوزیسیون آزادیخواه و چپ ایران

در تدارک تریبونال بین المللی برای محاکمه رژیم جمهوری اسلامی است. کوشش قدرتهای جهانی و تماس پنهان و آشکارشان با عوامل و مسئولان رژیم امر تازه ای نیست و سفر خاتمی نیز در این سویه قرار دارد. ما باید همه نیروی خود را بسیج کنیم تا به کمک افکار عمومی جهان، جمهوری اسلامی را رسواتر کنیم. مردم ایران و اپوزیسیون آزاده و چپ ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند و در هر حرکت مبارزاتی خود این اصل را یاد آوری میکنند. کوشش قدرتهای جهانی - اینبار - برای تحمیل جمهوری اسلامی "خوب" که وجودی واقعی ندارد نیز با شکست روبرو خواهد شد. خاتمی جزئی از نظام ضد بشری جمهوری اسلامی است.

با امید به پیروزی و برگزاری تریبونال بین المللی با پشتیبانی از آکسیونهای شما هیئت اجراییه تدارک تریبونال بین المللی سخنگوی تدارک تریبونال کامبیز روستا برلین ۱۶ سپتامبر ۹۸ ***

اطلاعیه ها

با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی یاد رفیق غلام کشاورز را گرامی داریم! آذر مدرسی عضو کمیته مرکزی و دبیر کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ سپتامبر ۹۸

حکمت کوتانی فراموش ناشدنی است، سیاوش مدرسی سردبیر مجله پوشه ۱۳ سپتامبر ۹۸

پیام به شرکت کنندگان در تظاهرات ۵ سپتامبر، کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران (در تظاهرات خوانده شد)

جمهوری اسلامی رژیم صدهزار اعدام رژیم بیست سال جنایت، بمناسبت سالروز قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته سوند ۱۵ سپتامبر ۹۸

چرا باید در تظاهرات ۲۱ سپتامبر شرکت کرد؟ فهیمه صادقی کادر حزب کمونیست کارگری و دبیر فدراسیون در ونکور - کانادا، ۱۴ سپتامبر ۹۸

مصاحبه ها

فرهاد بشارت با رادیو انترناسیونال درباره تنش میان جمهوری اسلامی و طالبان ۱۳ سپتامبر

بهزاد بارخاندانی کادر حزب کمونیست کارگری با رادیو انترناسیونال درباره انتخابات پارلمان در سوند. ۱۳ سپتامبر

علی جوادی با رادیو انترناسیونال درباره اوضاع سیاسی در ایران تاریخ ۶ سپتامبر و مجددا در ۲۰ سپتامبر راجع به تدارک تظاهرات ۲۱ سپتامبر در جلو مقر سازمان ملل در نیویورک

علی جوادی ۱۳ سپتامبر حول بحران جمهوری اسلامی و طالبان با رادیو ایران زمین دالاس، آمریکا

علی جوادی ۱۷ سپتامبر در میزگردی پیرامون مسئله افغانستان و سفر خاتمی در برنامه "با علیرضا میبیدی" که در آن صدرالدین الهی، خسرو اکمل، علی کشتگر و حشمت رئیسی نیز شرکت داشتند.

مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری و سخنگوی سراسری کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران ۸ سپتامبر در میزگرد تلویزیون فارسی زبان دورتموند آلمان درباره مساله زن در ایران (توضیح: در ایسکرای ۱۲ از مینا احدی بعنوان هماهنگ کننده کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران اسم برده شده بود که سخنگوی سراسری کمپین درست است)

بصیر زیار کادر حزب کمونیست کارگری ایران با رادیو همبستگی مالمو سوند درباره اوضاع افغانستان و پیشرویهای نظامی طالبان



"صدای کمونیسم کارگری" یک نشریه گویا در شبکه اینترنت است که در چهارچوب برنامه و سیاستهای اعلام شده "حزب کمونیست کارگری ایران" فعالیت میکند. "صدای کمونیسم کارگری" ارگانی حزبی نیست! "صدای کمونیسم کارگری" فعالیتهای خود را از طریق مصاحبه با رهبران و کادریهای حزب کمونیست کارگری انجام میدهد و تلاش میکند تا در قبال تحولات سیاسی با مصاحبه های خود عکس العمل ها و واکنشهای رهبری حزب کمونیست کارگری را از طریق شبکه اینترنت نیز در دسترس علاقمندان قرار دهد. علاوه بر این، این نشریه میکوشد با مصاحبه های خود چهره گویایی از "حزب کمونیست کارگری" به جامعه ارائه دهد.

علی جوادی مدیر مسئول "صدای کمونیسم کارگری"

ادامه از صفحه ۱

تظاهرات سراسری ۲۱ سپتامبر - حزب کمونیست کارگری عراق - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران مومیا ابوجمال زندانی سیاسی مشهور در آمریکا * کمیته دفاع از مومیا ابوجمال * شورای مردمی آفریقا (Peoples Council for African Rights) * مرکز حقوق مهاجرین (for Immigrants Rights Center) * مرکز برای فرهنگ کره ای-آمریکائی (Center for Korean American) * مرکز حقوق و سیاست بهداشت و سلامت زنان (Center for Reproductive Law and Policy) * مرکز بین المللی برای رهبری زنان (Center for Women's Global Leadership) * اتتلاف کارگران شهر ایموکالی (Coalition of Immokalee Workers) * کمیته ضد خشونت علیه آسیاییها (Committee Against Anti-Asian Violence) * کمیته امداد انسانی به پناهندگان ایرانی (Iranian Refugees) * کوردینادورا (Committee for Humanitarian Assistance to) * شبکه فعالان ۱۹۹۶-۲۰۰۰ (Coordinadora 1996-2000) * حزب سوسیالیست فمینیست (Feminist Women's Network) * انجمن کارگران مهاجر آزادی (Freedom Socialist Party) * انجمن کارگران مهاجر (Immigrant Workers Association) * کمپین بین المللی در دفاع از حقوق زنان ایران (Defense of Women's Rights in Iran) * فدراسیون بین المللی پناهدگان ایرانی (Federation of Iranian Refugees) * مرکز کارگران لاتینو (International Workers Center) * جنبش ملی ایران (National Movement of Iran) * اتتلاف مهاجرت نیویورک (NY Immigration Coalition) * زنان رادیکال (Radical Women) * زنان پناهنده در توسعه (Refugee Women in Development) * شبکه زنان پناهنده (Refugee Women's Network) * سولاس (Solace) * لیگ اسپارتاسیست (Spartacist League) * تاتر زنده (Theatre) * صدای کارگران (Workers Awaaz) * اکثریت فمینیست (Feminist Majority) * کمیتهها برای نامهنگاری (Committees for Correspondence) * گروه تئاتر (TV) * شورای کارگری ونکور * بری وایزر، رهبر سوسیالیست اکشن (کانادا) * بیل فولر دبیر شورای کارگران ویکتوریا و حومه * حزب چپ سوند * حزب سوسیالیست سوند * حزب عدالت، سوسیالیستها سوند * کانون کمونیستهای کارگری سوند * اتحادیه کارگری آزاد گوتلند * سازمان قدرت مردم سوند * هواداران حزب کارگری ترکیه، استکهلم * سازمان تشکیل حزب انقلابی سوند * کانون زندانیان سیاسی در تبعید * سازمان فدائیان اقلیت (سوند) * هسته اقلیت (سوند) * کمیته دفاع از جنبش * کمیته هشت مارس * کانون فرهنگی ره آورد * کانون فرهنگی پیوند * انجمن مطالعات اجتماعی و فرهنگی ایران * نشریه قاصدک * نشریه سینمای آزاد * سازمان آئرناتیو سوسیالیستی آلمان * کامبیز روستا، از طرف تریبونال بین المللی علیه جنایات جمهوری اسلامی * انجمن تئاتر ایران و آلمان * اسپارتاکیست ها * کاروان اعتراضی علیه سیاستهای ضد خارجی دولت آلمان * شاخه اکتس کارگران حمل و نقل (بریتانیا) * شورای محلی اتحادیه سادک * شورای محلی اتحادیه لمبت * حزب کمونیست بریتانیا * لیگ اسپارتاکیست * مینا اسدی شاعر و نویسنده * کمیته ۸ مارس * گروه "جنگ طبقاتی" * اتحادیه سی. اف. ام. ای. یو استرالیا * حزب سوسیالیست دموکراتیک * حزب سبزه های چپ * لیگ اسپارتاکیست ها * حزب کارگران سوسیالیست هلند * اتریش: سازمانهای زیر طی نامه های اعتراضی به مقامات رژیم اسلامی، از آکسیونهای سراسری حزب حمایت کرده و رژیم ایران را محکوم کردند:

- حزب کمونیست اتریش، هایده ماری آمبروش معاون دبیر حزب و سخنگوی بخش زنان - یوتا ساندر، نماینده مجلس ایالتی وین از حزب سبزه ها - اولریکه لوناچاک سخنگوی بخش زنان حزب سبزه ها

- گروه همبستگی زنان اتریش - گروه حقوق زنان حقوق بشر اتریش

- هانا گولدا، مسئول سازمان واید واحد اتریش

نهمین شماره نشریه کردی "هانا" منتشر شد

"هانا" یک نشریه اجتماعی، ادبی و فرهنگی به زبان کردی است که از سه سال پیش به سردبیری سلیمان قاسمیانی منتشر می شود. تا کنون ۹ شماره "هانا" منتشر شده است.

HANA
Box 6040
60 424 ANGERED
SWEDEN
E-mail: haha@ebox.tninet.se

"یک دنیای بهتر"

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

از نشریات داخل

جمهوری اسلامی ۱۶ شهریور

بعضی شعارها و سیاستهای رسمی و غیر رسمی داخلی زمینه مساعدی برای کسب روزهایی از انقلاب و نسل جوان ایجاد کرده است و بدینی نسبت به گذشته انقلاب را دامن می زند که از جمله می توان به طرح شعار آزادی به مثابه یک پدیده جدید و هدیه ای رسیده از دنیای غرب که انقلاب ۲۰ سال با آن بیگانه بوده اشاره کرد که به همان اندازه که در نسل جوان، دلزدگی از انقلاب اسلامی و دل بستگی به فرهنگ غربی ایجاد می نماید، در نسل انقلاب که جوانی خویش را در جبهه ها و میدانهای نبرد سپری کرده اند، نیز عکس العملی جدی بوجود می آورد که می تواند در حرکتی اعتراضی بروز نماید

جمهوری اسلامی ۲۶ شهریور

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت نامطلوب شرایط منطقه بویژه در مرزهای شرقی کشور اظهار داشت در این شرایط آنچه کارائی دارد باورهای دینی، ولایت فقیه و فرماندهی است و در صورتی که مردم دارای باورهای دینی نباشند چه کسی حاضر به جانفشانی است؟ عده ای در داخل کشور حرفهایی می زنند که هیچ ضد انقلاب خارج کشور نمی زند، اینها باورهای دینی مردم را سست می کنند و وقتی جوانان باورهایشان نسبت به ولایت و ولایت فقیه مخدوش شود، آیا آن وقت با یک فرمان به جبهه می روند؟

جمهوری اسلامی ۲۸ شهریور

جنتی در نماز جمعه تهران: کسانی که سنگ آزادی به سینه می زنند و در لوی آن هر کاری که می خواهند می کنند یا تفاله های طاغوتند و برای براندازی کار می کنند و یا بیگانه پرستند. آنها می خواهند هر کسی را با تهمت خلا آزادی از صحنه خارج کنند و یا عنوان آزادی از دیگران سلب آزادی کنند و این حربه ای برای خارج ساختن حریف است. آنها به گونه ای رفتار می کنند که گویا

۲۰ سال گذشته در کشور خفقان بوده است. ما می فهمیم اگر این گونه اعمال ادامه پیدا کند نتیجه اش این که مردم عصبانی شوند و یکباره صبرشان لبریز شود و آشوبی پیا پیا شود.

همشهری ۱۵ شهریور

حسنی امام جمعه ارومیه: اگر در این انتخابات مجلس خبرگان عده ای نفوذ کردند و به کسی غیر از رهبر معظم انقلاب و یا شورای رهبری رای دادند، در آنصورت فاجعه ایجاد می شود و ایران به افغانستان تبدیل خواهد شد. امام جمعه ارومیه خواندن برخی از روزنامه ها را نیز حرام اعلام کرده است.

ایران ۱۹ شهریور

ساکنان شهرک راه آهن، با وجود تلاش ماموران نیروی انتظامی، خود را به جلوی درب جنوبی وزارت کشور رساندند و اعلام کردند چنانچه نسبت به خواسته هایشان توجه نشود به تحصن خود ادامه خواهند داد. تجمع ساکنان شهرک راه آهن ساعت ۹:۳۰ دقیقه روز سه شنبه در مقابل وزارت کشور آغاز شد و برای مدتی عبور و مرور وسایط نقلیه را در خیابان فاطمی مختل کرد. تجمع کنندگان که همگی از ساکنان شهرک راه آهن بودند، می گفتند: مسؤلان شهرداری منطقه ۵ تهران، با وجود آنکه ساکنان عوارض پرداخت می کنند، از دادن خدمات اولیه طفره می روند.

توس ۱۸ شهریور

در رابطه با اعتراض مردم شهرک راه آهن در برابر وزارت کشور، پسر بچه ای که مشغول شعار دادن بود گفت: پدر من و همه اهالی به دیوان عالی کشور مراجعه کردند، ولی هیچ کس پاسخ نمی دهد. ما جای بازی نداریم، چمن نداریم. مردی گفت: ما برای خرید نان باید ۲ کیلومتر راه برویم، ما حتی بانک برای پرداخت عوارض خود نداریم فرد دیگری گفت: "خیابانهای شهرک آسفالت نشده است. دبیرستان، امکانات بهداشتی، فضای سبز، روشنایی، اتوبوس در خیابانهای منطقه نیست."

<http://www.wpiran.org>

از صفحه حزب در اینترنت دیدن کنید:

برای آزادی، برابری
و یک دنیای بهتر
به حزب کمونیست
کارگری پیوندید

اشباح و واقفیت ها

نادر بکتاش

آقای مسعود بهنود دوره حکومت جمهوری اسلامی را یکی از دمکراتیکترین ادوار تاریخ ایران معرفی کرده است؛ در رابطه با عملکرد نظام اسلامی و "سردار انهدام" آن، فردی بنام علی اکبر رفسنجانی که همواره در بالاترین سطوح و بطور مستقیم در اتخاذ تصمیم در رابطه با جنایات و تعدیات رژیم دست داشته است (صدها هزار اعدامی و زندانی، کشتهها و معلولین جنگی در ابعاد میلیونی، خروج از کشورهای چند میلیونی، سرکوب مدام زنان و کارگران و جوانان و دیگر اقشار و گروهها)، سکوت کرده و در مقابل به ستایش "سی هزار کارخانه و راه و پست" و غیره که در زمان ریاست جمهوری اش ساختهاند، پرداخته و لقب اعطایی رژیم به او را تکرار کرده است؛ به عنوان روزنامه نگار، "آدمی از قبیله اطلاعات" (مصاحبه با کیهان لندن، ۱۰ سپتامبر ۹۸)، اساسیترین و در عین حال ابتداییترین اطلاعات و حقایق مربوط به آزادی و حقوق انسانها در ایران را از نظرها پنهان داشته است؛ ...

ایشان با چنین عملکردی، چه جوابی به جامعه می دهد؟ این سوال را البته نمی توان در رابطه با یک عابر خیابان، کسی که مانند آقای بهنود از موقعیتی اجتماعی و امکانات و تربیونهایی برای مونتاژ و تحریف اخبار و بیان عقایدش در سطح گسترده اجتماعی برخوردار نبوده است، مطرح کرد. در موارد فردی مساله عمدتا در قلمرو وجدان و اخلاق فردی (طبعاً با ماهیت و تأثیری به هر حال اجتماعی) مطرح می شود. اما وضعیت مسعود بهنود که "شخصاً چهارتا خبرگزاری و رادیوی خارجی را نمایندگی می کند در داخل ایران" (همان مصاحبه)، در آدینه و توس (و کجا دیگری؟) می نویسد و هر از مدتی هم به اروپا و آمریکا می آید و جلسات علنی (و لابد شبنشینی های محفلی برای ارشاد عناصر مستعد "اپوزیسیون") می گذارد، متفاوت است.

جامعه حق دارد از ایشان سوال کند: در رابطه با موضوعی که داشته و دارد، حقایقی که پنهان کرده و دروغهایی که گفته و می گوید. و سکوتش.

این بازخواست البته سیاسی- اخلاقی است و هیچ نوع قدرت اجرایی پشت آن وجود ندارد. ایشان می توانند جواب ندهند. تنها یک فعل و انفعال سیاسی- اجتماعی برای قدرتمند کردن این پرسش و تعدد و تنوع نقد و افشای این "نماینده چهارتا خبرگزاری و رادیوی خارجی در داخل ایران" است که می تواند ارزش آزادی و وجدان و حقیقت را در این جامعه بالا ببرد و او را بیخ دیوار بگذارد تا به سوال پاسخ بدهد: چرا این آقا که سهمی در تخصیص و اداره تربیونها و مکانیسمهای پخش اطلاعات و حقیقت در ایران جمهوری اسلامی داشته است، حقیقت و اطلاعات را گوسفند قربانی این آدمکشان کرده است؟

"من مبارز سیاسی نیستم"

مسعود بهنود می داند که این سوال در مقابلش قرار دارد. مصاحبه او با کیهان لندن جوابی به همین سوال است. دفاعیه ای در یک پرونده سیاسی- اخلاقی اختفای حقیقت و مشاطه گری جنایتکاران. انگشت های اتهام او را نشان می دهد. در جواب می گوید: "من همه این سالها یک فرضی برای خودم داشتم و آن این بود که من مبارز سیاسی نیستم.

ایشان همواره از نظام اسلامی حمایت کرده و امروز هم به اروپا آمده تا برای خاتمی تبلیغ کند. اطلاعات را آنقدر "ساییده"، تا پخش آنها کوچکترین لطمه ای به منافع جمهوری اسلامی وارد نکند. آنقدر در رابطه با حرکات اعتراضی مردم و بگیرو ببندهای رژیم سکوت کرده، تا بتواند آن را بعنوان "دمکراتیکترین رژیم تاریخ ایران" به فروش برساند. نوشته های او را در این ۲۰ سال پیش رویتان بگذارید: خواهید دید که یکی از پیگیرترین و پرشورترین فعالین سیاسی حامی جمهوری اسلامی بوده است. آقای بهنود با گفتن اینکه: "من مبارز سیاسی نیستم، آدمی هستم از قبیله اطلاعات"، به همان اندازه می تواند سر جامعه کلاه بگذارد که امثال خاتمی و رفسنجانی و خامنه ای با گفتن اینکه: "ما صرفاً مجری قوانین و حقوق بگیر دولت هستیم".

ژورنالیست بدون کمپلکس

در رابطه با نظرات و نحوه خبررسانی شان، می گویند: "آن کسی که کاری می کند یک عده ای می پسندند و یک عده ای نمی پسندند. من شخصاً بمنعوان یک آدم برای شما اعتراف کنم که از این بابت دچار هیچ کمپلکسی نیستم" (همان مصاحبه). البته! انتخابشان را کرده اند: کنار قدرت ایستاده اند و مجبزش را می گویند و سلطان قلبهای سران

جمهوری اسلامی هستند (از قرار اولین دریافت کننده نوبل گلابی های تهران و انارهای تازه هستند؛ پسته مرغوب رفسنجان را از قلم انداخته اند!)؛ کمپلکسی هم ندارند و خراشی هم به وجدانشان وارد نمی شود که قربانیان این رژیم چه نظری راجع به ایشان دارند. نگرانی هم وجود ندارد: تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، آن "عده ای" که کار بهنود را "نمی پسندند"، نخواهند توانست در ایران حرفشان را در ملاعام بزنند. غل و زنجیر و پوزه بند و جوخه های اعدام حاضر و آماده است. زندان و شکنجه و اعدام قانونی.

تزیق اعتماد به نفس به اپوزیسیون طرفدار خاتمی

بهنود اشتباه می کند اگر که این تصور را دارد که ماهیت واقعی عملکردش از نظرها پنهان مانده است و یا اینکه می تواند با این نوع "استدلالات" بر سر کسی کلاه بگذارد. در این مقطع، بویژه، ژورنالیست بدون کمپلکس ما تمام عیار درگیر مبارزه سیاسی برای حفظ نظام جمهوری اسلامی شده است. بحثی که ایشان در کلن ارائه داد، اساساً یک بحث درون جناحی رژیم ایران بود. هر کس که مختصر تعلقی به آزادی بیان در ایران امروز داشته باشد، از سر فقدان این آزادی ها یا جعلی بودن و تنگ بودن شدید دامنه شبه آزادی های موجود شروع می کند، اما ایشان با نقد نوعی ژورنالیسم (موجود) شروع کرد و تاکیدش را بر این گذاشت که ژورنالیسم نباید "تهییجی" باشد. شکل دیگری از همان: "نباید از آزادی سوء استفاده کرد"، که مرتب توسط افرادی از سران رژیم تکرار می شود. این نقطه حرکت و نگرش تنگ نظرانه و ابزار بی "آزادی بیان" دقیقاً نشان می دهد که اولاً این آزادی امروز فقط برای حامیان نظام اسلامی در نظر گرفته شده؛ ثانیاً قرار نیست گستردگی و تعمیق پیدا کند، هدفش کمی قابل تحمل کردن رژیم است و دائماً کنترل می شود؛ ثالثاً همین اندازه موجود آن هم بزم طرفداران "دورانیش تر" رژیم دارد خطرناک می شود و باید به صراط مستقیم و طریق عقل باز گردد.

"نباید تهییج گری و ایجاد اغتشاش کرد": این تمام پیام بهنود بود. مشکل این "ژورنالیست" باهوش و خیراندیش همیشگی حکام اما این است که این بحث "معقول سازی" مطبوعات در ایران، بحثی مربوط و محدود به جناحین قدرت و چک و چانه زدن بر سر این است که چقدر به هم آزادی بدهیم و چقدر دهان همدیگر را ببندیم. ربطی به مطالبه جامعه برای آزادی بیان بی قید و شرط ندارد. این را خود سخنران هم، حداقل در جلسه کلن، حس کرد. کسی به این "معقول سازی" مطبوعات- که حتماً در ایران در جلسهای که گوش تا گوش آخوند و پاسدار نشسته باشد، با تحسین و الله اکبر مواجه خواهد شد- علاقه ای نداشت. آنهایی که صحبت کردند، اکثراً به نقد و افشای سرکوب هرگونه آزادی در ایران پرداختند.

اما مضمون صحبت بهنود آنقدر اهمیت ندارد که لحن و حالتش. اعتماد به نفس ایشان متکی به پلورالیسم اسلامی و نیروی آتش برادران پاسدار در ایران، و قد و قواره "آزادیخواهی" حقیر اپوزیسیون طرفدار خاتمی در خارج از کشور، است. بهنود به عنوان یک فعال سیاسی و اپورتونیست کهنه کار میزان اهمیت شکل و لحن و حالت را خوب می شناسد. آمده است تا اعتماد به نفس را به طرفداران متزلزل خاتمی تزیق کند.

گوشی را دست آقا دادند

مسعود بهنود در نیمروز ۴۹۹ (۱۱ سپتامبر) مطلبی تحت عنوان "شیخ آرمانها"، علیه مارکسیسم نوشته است. این مطلب آشکارا پاسخی به "مانیفست مارکس، مه ۶۸ و انقلاب ایران" (انترناسیونال ۲۷) است. اما جنبه مهمش این نیست، این است که گوشی را دست آقای بهنود داده اند که در خارج کشور که آزادی بیان وجود دارد و جمهوری اسلامی پاسدار و واواکی ندارد که پلورالیسم اسلامی برقرار کند و احزاب و نشریات غیرخودی را ببندد، مارکسیسم نیرومند است. بدون رویارویی با آن نمی توان "معقول سازی" اپوزیسیون را با موفقیت پیش برد، منشا تأثیر و برکتی برای جمهوری اسلامی شد و برایش نیرو بسیج کرد.

دلیل نزول "شیخ آرمانها"، ماجرای "جوانان در قطار فرانکفورت- برلین با سرعت ۱۸۰ کیلومتر در ساعت" (نیمروز) نیست. انبوه سازمانها و افراد و نشریاتی است که هنوز دل در گرو آرمانهای مانیفست دارند و جشن ۱۵۰ امین سالروز تولدش را پرشور برگزار کردند. جهان سرمایه داری است که بازتولید کننده انبوه مشقات و فقر و بی حرمتی میلیاردها انسان است. حزب کمونیست کارگری است که حامل مادی این آرمانها است.

هیچ شبیحی آقای بهنود را به نوشتن نکشاند است: یک واقفیت مادی سیاسی- اجتماعی و طبقاتی فرشته الهامش شده است! ■

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K
Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Postfach 103137
50471 Köln
Germany

BM Box 8927
London WC1N 3XX
England

W.P.I
Box 719stn.P
Toronto, ONT .M5S 2Y4
Canada

Postgiro: 4492709-3
K.A.K Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Z.I.KONTO: 17116703
BLZ: 10090000
Berliner Volksbank
Germany

Account No:6722-5007687
Royal Bank of Canada
10 Eglinton Ave. E
Toronto, Ont M4P 2W7
Canada

Fax: (1) 416 515 67 22

E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکیلات خارج کشور
(۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶)
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانهها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سئوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

به حزب کمونیست کارگری
ایران کمک مالی کنید
شماره فاکس کمیته داخل حزب
۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹